

معناشناسی «زراع» در قرآن کریم

طیبه اکبری راد^۱

سکینه عموزادی^۲

چکیده

اهمیت زراعت و کشاورزی در آیات متعدد قرآن کریم و روایات مورد تأکید قرار گرفته است. واژگان تبیین کننده مفهوم کشاورزی در قرآن شامل زراع، حرث و نبت می‌باشند. واژه زراع به معنای رویاندن، کاشتن و بذرافشانی است که در ۱۱ آیه قرآن کریم به صورت حقیقی و فقط در یک آیه به صورت تشبیه (مجاز) به کار رفته است. مهمترین عامل زراع خدائند است و برخی عوامل مادی زراع نیز عبارتند از باران، زمین و نور. همچنین، از جمله مصادیق زراع می‌توان به خرما، انگور، زیتون و انار اشاره کرد. آثار مادی آن رویش، زیبایی و پرداخت زکات و میراث ارزشمند است و از آثار معنوی آن عبرت و خداشناسی است. از موانع مادی آن، بی‌آبی و از موانع معنوی آن کفران نعمت و غرور است. از واژه‌های جانشین زراع، حرث به معنی کاشتن، شخم زدن و زراعت و در آیه ۲۲ سوره قلم به معنی باغ (تاکستان) آمده است. در ۱۱ آیه قرآن، واژه حرث تکرار شده که در سه مورد به صورت تشبیه (مجاز) و در بقیه موارد به صورت حقیقی به کار رفته است. برای حرث بر خلاف زراع در قرآن عوامل، مصادیق، آثار و موانع ذکر نشده است. زراع فعل خدا و حرث فعل انسان است، یعنی انسان عملیات کاشت و کشاورزی انجام می‌دهد اما رویاندن و رشد دادن کار انسان نیست. یکی دیگر از جانشینان زراع واژه نبت است که به معنی کاشتن، رویدن و جوانه زدن است. در ۲۱ آیه قرآن به صورت حقیقی و در دو آیه به صورت تشبیه (مجاز) به کار رفته است. عوامل نبت نیز خدا، باران و زمین و از مصادیق آن خرما، انگور، زیتون و روغن آن، انار، سبزی‌ها، دانه‌ها و ... می‌باشند. از آثار نبت رویش و زیبایی، از کیفیت و شرایط آن زوجیت گیاهان و گستردگی زمین و موزون بودن گیاه و هر چیز می‌باشد. در دو واژه زراع و نبت به اصل توحید، معاد و رستخیز طبیعت اشاره شده است.

واژه‌های کلیدی: معناشناسی، زراع، قرآن، حرث، نبت

^۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران-شمال

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران-شمال

مقدمه

جایگاه فهم مفاهیم کلیدی قرآن بر کسی پوشیده نیست؛ چرا که مقدمات تصویری، مقدم بر مقدمات تصدیقی و تصدیقات است. از این رو، هر تدبیر کننده در قرآن در پی فهم این مفاهیم کلیدی به منظور دستیابی به معانی اصلی آنها است. یکی از این مفاهیم کلیدی واژه «زرع» است که تاکنون با روش معناشناسی به آن پرداخته نشده است. در این پژوهش کوشش شده است با رویکرد معناشناختی به تبیین معنای زرع و استخراج مؤلفه‌های معنایی، کاربردها و مصادیق آن از قرآن پرداخته شود. سؤال اصلی این است که آیا واژه زرع در قرآن، همان معنای کشاورزی را دارا است که اکثر علما و مفسران این چنین گفته‌اند؟ یا با مؤلفه‌های خاص معنایی خودش، به گونه‌ای نشان‌دار می‌شود که علاوه بر هم-پوشانی نسبی با حرث و نبت در قرآن، معنای خاص خود را پیدا می‌کند؟ به عبارتی دیگر، وجوه اشتراک و افتراق آن با حرث و نبت چیست؟

معناشناسی دانش بررسی و مطالعه معانی به شیوه روشمند و اصولی است.^۱ معناشناسی یک متن تأسیسی را به صورت یک مجموعه نظام‌مند و واحد مطالعه می‌کند که هر کدام از اجزاء تکمیل کننده، ناظر و شاهد اجزای دیگر است.^۲ معنای لازم و کافی یا آنچه مؤلفه‌های معنایی یک واژه نامیده می‌شود، در حوزه معنایی مختلفی جای می‌گیرد، و اعضای یک حوزه معنایی، یک نظام معنایی را تشکیل می‌دهند، که در رابطه متناظر با یکدیگرند.^۳ روش پژوهش حاضر، توصیفی و با استفاده از معناشناسی هم‌زمانی است که با حذف مؤلفه زمان، تفاوت‌ها و تمایزهای مفاهیم را مطالعه می‌کند.^۴ با این مقدمه، در این مقاله کوشش شده است واژه زرع، واژه‌های جایگزین و مشتقات آنان از نظر معنا، کاربردها، عوامل، آثار و مصادیق در آیات قرآن کریم با توجه به تفاسیر مختلف از جمله تفسیر المیزان علامه طباطبایی بررسی شود.

معانی لغوی زرع، حرث و نبت

زرع به معنی کاشتن، کشتن، نشانیدن چیزی، بذر افشاندن، تخم پاشیدن در زمین، رویاندن، عمل آوردن، پرورش گیاه، زراعت کردن، کشاورزی کشت کردن در زمین و همچنین به معنای کشت، بذر افشانی می‌باشد.^۵ در فرهنگ معاصر عربی به فارسی حرث شخم زدن، کشتن، بذر افشانی کردن،

^۱. صفوی، کوروش، ص ۳۱، مختار عمر، ص ۲۰.

^۲. ایزتسو، ص ۵

^۳. صفوی، ص ۱۹۰

^۴. ایزتسو، ص ۹

^۵. آذرنوش، ص ۴۰۹.

کشت کردن زمینی ذکر شده است.^۱ نبت: درآمدن گیاه و دندان، جوانه زدن، نشو و نما کردن، روئیدن، سر برآوردن از دل خاک است.^۲

مفهوم واژه زرع

واژه زرع ۱۴ بار در ۱۲ آیه قرآن با مشتقاتش ذکر شده است و عواملی مثل باران، خاک و انسان در آن دخالت دارند. زرع رویاندن، زارع فقط خدا و بشر حارث است. انسان عامل و فاعل اسباب زرع است. انسان فقط می‌کارد خداوند آن را می‌رویاند، رشد و نمو می‌دهد. کاشتن توسط انسان صورت می‌گیرد. رویاننده خداست و کشاورز از روییدن به شگفت می‌آید. واژه زرع در قرآن کریم دارای کاربردهای متفاوتی است، گاه به صورت تشبیه و در بقیه آیات برای تبیین کشت و به معنای حقیقی به کار رفته است. در بعضی آیات مصادیق آن آمده است و در بعضی دیگر عوامل زرع، باران و شراکت خدا با زارع بیان شده است. در بعضی دیگر از آیات، آثار زرع که رویش، زیبایی، تغذیه چهارپایان، انسان‌ها و همچنین روش نگهداری آن بیان شده و بر پرداخت حق محرومان در روز برداشت زرع نیز تأکید شده است.

کاربرد زرع به صورت تشبیه (مجاز)

یکی از موارد کاربردهای زرع در قرآن کریم ذکر آن به صورت تشبیه بوده که در سوره فتح آیه ۲۹ ذکر شده است: «مَحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ اَشِدَّاءُ عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ رَحْمٰةٌ بَيْنَهُمْ تَرٰهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُوْنَ فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا سِيْمَاهُمْ فِيْ وُجُوْهِهِمْ مِّنْ اَثْرِ السُّجُوْدِ ذٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرٰةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْاِنْجِيْلِ كَزَرْعٍ اُخْرِجَ شَطَاؤُهُ فَاَزْرَهُ فَاسْتَعْلَظَ فَاَسْتَوٰى عَلٰى سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَّغِيْظَ بِهِمُ الْكٰفِرَ وَعَدَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ مِنْهُمْ مَّغْفِرَةً وَاَجْرًا عَظِيْمًا؛ محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند، پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی، آنها همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند، نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است، این توصیف آنها در تورات و توصیف آنها در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وا می‌دارد این برای آن است که کافران را به خشم آورد، خداوند کسانی از آنها را که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.

^۱. همو، ص ۱۷۹

^۲. همو، ص ۱۰۵۰

در تورات، مومنان را چنین توصیف کرده است که همواره در رکوع و سجود هستند و در طلب فضل و رضوان خدایند و در انجیل وصف آنان چون زراعتی است که از شدت برکت پیرامونش جوانه‌هایی (شطاه گیاه) است و آن جوانه‌ها هم کلفت می‌شود و مستقیم بر پای خود می‌ایستند، به طوری که برزگران را به شگفت در می‌آورد. این آیه به این نکته اشاره می‌کند که خدای تعالی به مومنین برکت قرار داده و روز به روز به عده و نیروی آنان اضافه می‌شود تا خداوند به وسیله آنان کفار را به خشم آورد.^۱

تشبیه جامعه اسلامی به مزرعه کشاورزی، قابل دقت است، زیرا کشت از درون زمین بوده، عقیده نیز از درون انسان است. کشت در محیط مناسب رشد می‌کند، جامعه اسلامی هم نیاز به زمین‌های مناسب دارد. کشت دارای رشد طبیعی، تدریجی، اصیل و ثابت است، رشد امت اسلامی نیز مراحل، ثبوت و اصالت دارد. در انجیل متی آمده است: بار دیگر مثلی برای ایشان زد و گفت ملکوت آسمان مانند دانه خردلی است که شخصی گرفته در مزرعه خویش بکارد هرچند دانه خردل از سایر دانه‌ها کوچکتر است ولی چون نمو کند بزرگ‌ترین بقول (سبزیجات) درختی می‌شود چنان که مرغان هوا در شاخه‌هایش آشیانه می‌گیرند.^۲

بعضی از مفسران می‌گویند: در این آیه شریفه، خدای فرزانه در قالب این مثال به وصف پیامبر و ایمان آورندگان پرداخته که منظور از کشت و زراعت وجود گرانمایه پیامبر و جوانه‌ها، یاران فداکار و پر اخلاص آن حضرت که بر گرد خورشید وجود او هستند، است. آنان در آغاز طلوع اسلام ناتوان و بی یار و یاور بودند، همان گونه که هر نهال و زراعتی در آغاز ضعیف است آنگاه به تدریج قوت و توان می‌یابد و رشد می‌کند. مردم توحیدگرا و با ایمان نیز دست یاری بر دست یکدیگر نهادند و رفته رفته با ایمان، اخلاص، خودسازی، پروا، دانش، بینش و مدیریت درست به قدرتی شکست ناپذیر تبدیل شده و بر کارها تسلط یافتند.^۳

(محمد بن عباس از محمد بن احمد عیسی بن اسحاق از حسن بن حارث بن طلیب از پدرش از داود بن ابو هند از سعید بن جبیر روایت کرده است که ابن عباس درباره این آیه مبارکه (۲۹ الفتح) که کزرع اخراج شطاه فازره و ... گفت: منظور این است که اصل آن کشته عبدالمطلب و جوانه آن حضرت محمد (ص) است و یعجب الزراع فرمود: منظور علی بن ابیطالب و به معنای شگفتی درآمدن مردم نسبت به امیرالمومنین (ع) است).^۴

^۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۴۴۵

^۲. قرآنی، تفسیر نور، ص ۱۴۷

^۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۸۹

^۴. قمی، ابن بابویه (شیخ صدوق)، تاویل الایات الظاهره، ج ۲، ص ۶۰۰

کاربرد زرع در معنای حقیقی

در ۱۱ مورد زرع به معنای حقیقی به کار رفته است.

عوامل و شرایط زرع

در قرآن، خداوند به عنوان عامل و مالک واقعی زرع می‌باشد و زارع با خدا شریک است. همچنین در قرآن از آب و باران به عنوان یکی از مهم ترین ارکان کشاورزی و عوامل زرع یاد شده است.

الف) خدا عامل و مالک واقعی زرع

یکی از موارد کاربردهای زرع در قرآن کریم ربوبیت، عله العلل، ارتباط و شراکت زارع با خداوند است که در سوره واقعه آیه ۶۴ به آن اشاره شده و نیز برخورد خدا با گمراهان و کافران ذکر شده است. «أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ» آیا شما آن را می‌رویانید یا ما می‌رویانیم؟ علت تمامی اثرها و مؤثرها به خدا منتهی می‌شود. کشاورز فقط زمین را آماده می‌کند، بذر را می‌کارد و خداوند آن را رشد و نمو می‌دهد پس رویاننده واقعی خداست. دخالت مردم و اسباب طبیعی در رویش و نمو زرع غیر قابل انکار است. اگر اسباب طبیعی تأثیر دارند خدا این موهبت را به آنها داده و خود اسباب را آفریده است. هم خودشان و هم اثرشان آفریده خداست. خداوند خود می‌فرماید: اگر نمی‌خواستیم شما را روزی دهیم و زراعت را به ثمر برسانیم، می‌توانیم آن را گیاهی به درد نخور کرده و قبل از رسیدن به ثمر بخشکانیم و با وزش بادهای خرد و متلاشی کنیم. مهمترین حوائج زندگی انسان، یکی مسئله زراعت که با آن قوت خود را فراهم می‌کند، دوم آب که آن را می‌نوشد. سوم آتش که با آن گرم می‌شود و بسیاری از حوائج خود را به وسیله آن فراهم می‌کند. این‌ها از لوازم ربوبیت خدای تعالی است. پس ربوبیت، چیزی به جز تدبیر مالک امور ملک خود نمی‌باشد.^۱ فعل و انفعالات طبیعی با اراده خداوند است و قدرت الهی مطلقه است.^۲ بدیهی است کار انسان تنها کشت است اما رویاندن تنها کار خداست، لذا در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده لایقولن احدکم زرع و لیقل حرث (فان الزارع هو الله)؛ هیچ یک از شما نگوید من زراعت کردم بلکه بگوید کشت کردم (زیرا زارع حقیقی خداست).^۳

شرح این دلیل چنین است که انسان کاری که در مورد زراعت می‌کند، بی شباهت به کار او در مورد تولد فرزند نیست، دانه‌ای را می‌افشانند و کنار می‌رود، این خداوند است که در درون دانه یک سلول زنده بسیار کوچک آفریده که وقتی در محیط مساعد قرار گرفت، در آغاز از مواد غذایی آماده در خود استفاده می‌کند، جوانه می‌زند و ریشه می‌دواند، سپس با سرعت عجیبی از مواد غذایی زمین کمک

^۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۹، ص ۲۳۴

^۲. قرائتی، نور، ج ۹، ص ۴۳۵

^۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۳۷

می‌گیرد و دستگاه‌های عظیم و لابراتورهای موجود در درون گیاه به کار می‌افتد، غوغایی برپا می‌کند ساقه، شاخه و خوشه را می‌سازد و گاه از یک تخم صدها یا هزاران تخم برمی‌خیزد.^۱

محمد بن یعقوب از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن عمیر، از ابن اذنبه و او از ابن بکیر نقل کرده است که امام صادق (ع) فرمود: هرگاه خواستی زراعتی بکاری، یک مشت از بذر آن را بردار، رو به قبله بایست و بگو افرایتم ما تخرثون انتم تزرعونه ام نحن الزارعون این را سه بار بگو بلکه کشاورز واقعی خداست پس بگو: بار خدایا آن را دانه‌ای مبارک بگردان و سلامتی را به واسطه آن به ما ارزانی دار سپس آن یک مشت دانه را در زمین صاف و هموار بپاش.^۲

(ب) آب و باران

از جمله عوامل زرع، نزولات آسمانی و باران رحمت الهی است که منجر به زیبایی طبیعی می‌شود که در قرآن ۲۶ بار عبارت (و انزل من السماء ماء) تکرار شده است. آب از نعمت‌های بزرگ خداست که حیات تمام موجودات به آن وابسته است.^۳ خداوند در سوره زمر آیه ۲۱ می‌فرماید: "أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ؛ مگر ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرود آورد پس آن را به چشمه‌هایی که در [طبقات زیرین] زمین است راه داد آنگاه به وسیله آن کشتزاری را که رنگ-های آن گوناگون است بیرون می‌آورد. سپس خشک می‌گردد آنگاه آن را زرد می‌بینی سپس خشاکش می‌گرداند قطعاً در این [دگرگونی‌ها] برای صاحبان خرد عبرتی است."^۴

باران عامل حیات، سرسبزی و شادابی است. خداوند برای صاحبان خرد اموری را قرار داده که توسط آن متذکر می‌شوند. یکی از لطف‌های خداوند در دنیا به بندگان، نزول آب باران از آسمان است که به-وسیله آن زرع را بیرون می‌آورد و زرعی با رنگ‌های مختلف پس آن زرع را می‌خشکاند پس از سرسبزی و خرمی زرد می‌شود، آنگاه خشک و متلاشی می‌شود، حطامی می‌سازد یعنی کاه و خس متفرق است. شواهدی که در این آیه مشخص است همگی از امور ناپایدار و متغیر هستند و به زوال عالم اشاره دارد. این تذکری برای خردمندان است.^۴

علی بن ابراهیم از ابو جارود، از امام محمد باقر (ع) روایت کرد که ایشان درباره کلام خداوند در آیه ۲۱ الزمر (الم تر ان الله انزل من السماء ماء فسلكه ينابيع... فرمود: ينابيع یعنی چشمه‌ها و چاه‌هایی است که از آنچه خداوند از آسمان نازل فرمود و در زمین جای داد (ثم يخرج به زرعاً مختلفاً ألوانه ثم

۱. مکارم، نمونه، ج ۲۳، ص ۲۶۰

۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۲۶۳

۳. وینز، بررسی مقاله کشاورزی در قرآن

۴. طباطبایی، المیزان، ج ۱۷، ص ۳۸۴

بهیج) آن کشته‌ها تا این که زرد می‌شوند (ثم یجعلہ حطاما) و هنگامی که خشک و متلاشی و همچون کاهی درهم کوبیده می‌شوند.^۱ کلمه ینابیع، جمع ینبوع است و آن جایی است که آب در آن می‌جوشد و حطام یعنی کاه، خس و بهیج از مصدر هیچ نهایت خشک شدن نبات است. فسلکه ینابیع الارض یعنی خداوند آب را در چشمه‌ها و رگ‌های زمین همچون رگ‌های آدمی داخل کرد و زمین آن را از جانبی به جانب دیگر انتقال می‌دهد. این آیه حجت و دلیل بر یگانگی خدای متعال در ربوبیت است.^۲ بدون شک منافع آب باران تنها نوشیدن انسان و رویانیدن درختان و گیاهان نیست، بلکه شستشوی زمین‌ها، تصفیه هوا، ایجاد رطوبت لازم برای طراوت پوست تن انسان، راحتی تنفس او و مانند آن همه از فوائد باران است. بعضی از مفسران می‌گویند: از میان آثار عظمت و ربوبیت پروردگار در نظام جهان هستی، انگشت روی مسأله «نزول باران» از آسمان می‌گذارد، آنگاه پرورش هزاران رنگ از گیاهان را از این آب بی رنگ و طی مراحل حیات و رسیدن به مرحله نهایی شرح می‌دهد قطره‌های حیات بخش باران از آسمان نازل می‌شود قشر نفوذپذیر زمین آنها را به درون می‌پذیرد تا به قشر نفوذ ناپذیر می‌رسد پس از آن، آنها را متوقف می‌سازد و ذخیره می‌کند سپس به صورت چشمه‌ها، قنات‌ها و چاه‌ها بیرون می‌فرستد. سپس خداوند به وسیله آن زراعت، گیاهی را خارج می‌سازد که هم الوان مختلف دارد و هم انواع آن مختلف است، همچون گندم، جو، ذرت و هم کیفیت‌های آن متفاوت و هم رنگ ظاهری آن، بعضی سبز تیره، سبز کم‌رنگ، بعضی دارای برگ‌های پهن و گسترده، بعضی برگ‌های باریک، لطیف و همچنین با توجه به این که زرع به گیاهی گفته می‌شود که ساقه قوی ندارد در مقابل «شجر» که غالباً به درختانی که دارای ساقه نیرومندند اطلاق می‌شود. زرع مفهوم وسیعی دارد که گیاهان غیرغذایی را در بر می‌گیرد. انواع گل‌ها و گیاهان زینتی، دارویی و مانند آن که فوق العاده متنوع، دارای الوان و چهره‌های گوناگون می‌باشد را شامل می‌شود گاه در یک شاخه بلکه در یک گل این رنگ‌های مختلف به شکل بسیار جالب و ظریفی در کنار هم قرار گرفته‌اند و با زبان بی زبانی نغمه توحید و تسبیح خدا را سر داده‌اند. در مرحله دیگر حیات سپس این گیاه خشک می‌شود به گونه‌ای که آن را زرد و بی روح می‌بینی و با تندبادی سست شده و می‌شکند. آری در این ماجرا تذکر و یادآوری برای اندیشمندان است.^۳

پ) مدیریت، برنامه‌ریزی، حفظ و ذخیره‌سازی زرع

حضرت یوسف (ع) در شرایط قحطی توانست با مدیریت، برنامه‌ریزی و ذخیره‌سازی گندم به عنوان کالای اساسی و استراتژیک بر مشکلات اقتصادی جامعه فائق آید که در آیه ۴۷ سوره یوسف به آن

^۱. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۱۹

^۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۷۲

^۳. مکارم، نمونه، ج ۱۹، ص ۴۴۳

اشاره شده است: «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ» گفت هفت سال پی در پی می کارید و آنچه را که درو کردید جز اندکی را که می خورید در خوشه اش واگذارید.

علامه طباطبایی می فرماید: در این آیه بعضی کلمه «دأب» را به معنی جد، جهد، زحمت کشت و زرع، بعضی ها دائمی و مستمر معنی کرده اند. دائم و مستمر کوشا باشد. تزرعون در این آیه یعنی زراعت کنید و دنبالش می فرماید: آنچه درو می کنید در سنبله اش بگذارید. یوسف دستور داد گندم را نکوید و همچنان در سنبله اش بگذارید برای اینکه جانور نتواند داخل سنبله شود و در نتیجه گندم هر چند بماند خراب نمی شود. برخلاف اینکه آن را بکوبند و از سنبله جدا کنند که خیلی زود فاسد می شود. ماجرای خواب سلطان مصر که هفت گاو لاغر به هفت گاو چاق حمله می کنند و آن ها را می خورند، هفت خوشه گندم سبز، هفت خوشه گندم خشکیده را دیدم که خشکیده بر گرد سبزه ها پیچیدند و آن ها را از بین بردند. در ماندن درباریان از تعبیر خواب پادشاه مصر و تعبیر کردن خواب پادشاه توسط یوسف (ع) که فرمودند: هفت سال قحطی (سبع شداد) مردم از ذخیره سازی بخورید و مدیریت هفت سال سختی را با برنامه و نقشه حساب شده پشت سر بگذارید که سال های بعدی پربرکت است. این مشکلات با مدیریت و برنامه ریزی حضرت یوسف (ع) حل شد.^۱

طبرسی در کتاب نبوت، با سند خود از احمد بن عیسی از حسن بن علی بن الیاس گفته است: شنیدم که امام رضا (ع) می فرمود: یوسف به کار جمع آوری آذوقه مشغول شد و در طول آن هفت سال حاصلخیز و پر بار غذای زیادی جمع آوری کرد و در انبارها قرار داد ولی آن هفت سال گذشت و هفت سال قحطی فرا رسید اقدام به فروختن آذوقه و طعام کرد و در سال اول قحطی، غذا را به قیمت درهم و دینار فروخت به طوری که درهم و دینار مصریان به خزانه یوسف سرازیر شد. در سال دوم، غذا را به قیمت زیورآلات و جواهرات فروخت به طوری که همه جواهرات و زیورآلات مصریان به خزانه یوسف سرازیر شد. در سال سوم، غذا را به بهای چارپایان، گاو و گوسفند فروخت. بدین سال تمامی چارپایان مصر و اطراف آن به تملک یوسف درآمدند. در سال چهارم غذا را به بهای کنیزکان و بردگان می فروخت. همه کنیزکان و بردگان مصر و اطراف آن به تملک او درآمدند. در سال پنجم، غذا را به بهانه خانه و املاک فروخت و همه خانه ها، املاک مصر و اطرافش در زمره مایملک یوسف درآمد. در سال ششم، در مقابل غذا، مزرعه و آب خریداری کرد. به این ترتیب همه مزارع، آب های مصر و اطرافش به تملک یوسف درآمد. در سال هفتم، هم غذا را به بهای آزادی مردمان فروخت به طوری که در مصر و اطراف آن انسان آزاد و برده ای نبود مگر اینکه به تملک یوسف درآمده بودند.

^۱ طباطبایی، المیزان، ج ۱۱، ص ۲۵۸

بدین سان مالک جان، مال و بردگان آنان شد. مردم می‌گفتند: ما ندیده و نشنیده‌ایم که خداوند به هیچ پادشاهی به اندازه یوسف سیاست، دانش و تدبیر داده باشد.^۱

مصادیق زرع

گیاهانی مانند نخل (خرما)، اعناب (انگور)، زیتون و رمان (انار) از مصادیق زرع در قرآن شمرده می‌شوند.

الف) نخل (خرما)

یکی از مصادیق زرع در قرآن کریم نخل (خرما) است که ۲۷ بار از آن و برخی دیگر از فرآورده‌ها و اجزای آن مثل نخیل، نوی، رطب، جذع، طلع و مسد در قرآن یاد شده است. همچنین در آیه ۱۴۸، سوره شعراء به آن اشاره شده است: «وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ» و کشتزارها و خرمانبانی که شکوفه-هایشان لطیف است. در المیزان آمده که نخل یکی از مصادیق جنات است. در این آیه ذکر فرمود به خاطر اهمیاتی که عرب به این درخت دارد. کلمه طلع به منزله گرد گل در سایر درختان است و کلمه هضمیم به معنای درختان تو درهم و سر به هم کشیده است.^۲ علی بن ابراهیم در این باره می‌گوید: و زروع و نخل طلعهها هضمیم منظور از آن به معنای درخت خرمایی است که دارای شکوفه‌های پر بار باشد.^۳ طلع از ماده طلوع معمولاً به شکوفه خرما گفته می‌شود که قبل از ظاهر شدن میوه طلوع می‌کند و مانند دو کفه‌ای است که روی هم قرار گرفته و در درون آن خوشه خرما است که در آن هنگام بسیار کوچک است. این پوسته می‌شکافد و خوشه ظاهر می‌شود. گاهی واژه طلع به نخستین میوه این درخت نیز گفته می‌شود اما هضمیم از ماده هضم معانی مختلفی دارد. گاه به معنی درهم فرو رفته به کار می‌رود و گاه به معنی میوه رسیده گاه لطیف و نرم و کاملاً قابل هضم گاه به معنی هضم شده آمده است. در این آیه اگر طلع به معنی شکوفه‌های خرما باشد، هضمیم به معنی در هم فرو رفته است که نشانه پر بار بودن درخت است. اگر طلع به معنی نخستین ثمره این درخت باشد، هضمیم به معنی شاداب، نرم، لطیف و رسیده است.^۴

^۱. بحرانی، البرهان، ج ۳، ص ۱۷۲

^۲. طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۴۲۹

^۳. بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۱۸۱

^۴. مکارم، نمونه، ج ۱۵، ص ۳۳۲

علیرغم این که کلمه جنات شامل درخت خرما نیز می‌شود ولی نام درخت خرما جداگانه برده شده است که شاید اشاره به اهمیت خرما در میان قوم ثمود بوده است. انسان در برابر نعمت‌ها رها نیست بلکه مسئولیت دارد.^۱

در مورد اهمیت خرما آمده که در خرما کلسیم وجود دارد که عامل اصلی استحکام استخوان‌هاست و نیز فسفر وجود دارد که عناصر اصلی تشکیل دهنده مغز، مانع ضعف اعصاب و خستگی است، قوه بینایی را می‌افزاید، دارای منیزیم است که از سرطان جلوگیری می‌کند، پتاسیم موجود در آن برای زخم معده و برای ماهیچه‌ها و بافت‌های بدن پر ارزش است. قند فراوانی که از سالم‌ترین قندهاست، دارد. یک منبع غذایی غنی و پر ارزش است. دانشمندان در خرما ۱۳ ماده حیاتی و ۵ نوع ویتامین کشف کردند که یک منبع فوق العاده ارزشمند غذایی می‌باشد.^۲

از امام علی (ع) نقل شده است: خرما بخورید که شفای بیماری‌هاست. در آیات سوره مریم خداوند مریم را که در آن بیابان فاقد وسیله بود هنگامی که عیسی را به دنیا آورده بود از رطب تازه روزی داد چون یکی از بهترین غذاها برای مادری که فرزند به دنیا آورده، رطب تازه است و بهترین دارو برای چنین زنانی همین میوه است.^۳

ب) زیتون

گیاهان زراعی مانند واژه نخیل، فرآورده‌ها و اجزای آن ۲۷ بار، واژه زیتون ۷ بار و اعناب ۹ بار در قرآن تکرار شده است. شناخت خدا در دگرگونی درختان میوه است. در آیه ۱۱ سوره نحل هم واژه زرع و هم واژه جانشین آن نبت هر دو ذکر شده است و این دلیل بر اهمیت این آیه در مصداق این واژه‌ها است که نخل، زیتون و خرما بهترین میوه‌ها معرفی شده است. "يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ خدا به وسیله آن (آب) کشت و زیتون و درختان خرما و انگور و از هر گونه محصولات [دیگر] برای شما می‌رویانند. قطعاً در اینها برای مردمی که اندیشه می‌کنند نشانه‌ای است."

صاحب المیزان فرمود: خدای سبحان در قسمتی، از انواع نعمت‌های آسمانی و زمینی را که مایه حیات انسانی است و انسان در معاشش از آن بهره‌مند می‌شود، خاطر نشان فرموده و از راه نظام متقن و تدبیر یکنواختی که در آنها است بر وحدانیت خود در ربوبیت استدلال فرموده است. کلمه زیتون اسم جنس جمعی است واحد آن زیتونه و کلمه نخیل هم واحدش نخيله گفته می‌شود و اعناب هم جمع عنب میوه درخت مو است. این کلمه هم بر خود درخت اطلاق می‌شود و هم بر میوه‌اش اگر از میان

۱. قرائتی، نور، ج ۶، ص ۱۵۲

۲. پاکنژاد، اولین دانشگاه آخرین پیامبر، ج ۷، ص ۶۵

۳. قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۲۴

همه میوه‌ها تنها به اسامی این چند میوه تصریح نمود. بقیه را به آن‌ها عطف کرده، شاید از این جهت که غالباً به عنوان غذا اطلاق می‌شوند این دلیل و حجتی بر وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت است. از برکات باران تمام موجودات زنده و انسان‌ها از آن می‌نوشند و به وسیله آن زنده‌اند و گیاهان و درختان از آن بوجود می‌آیند و حیوانات از آن می‌چرند.^۱

در این آیات، بخش‌هایی از نعمت‌های مادی و معنوی خدا که به انسان‌ها ارزانی داشته است ترسیم شده این نعمت‌های گوناگون عبارت است از نعمت باران، گیاهان و روئیدنی‌ها، میوه‌ها، سبزیجات، آسمان، زمین، دام‌ها، منابع گوناگون حیوانی، غذاهای گوناگون، مزرع‌ها، بوستان‌ها، چشمه‌سارها، جویبارها، دریاها، کوه‌ها، خورشید و ماه و نعمت‌های بی‌شمار دیگر. این‌ها نشانه‌هایی از یکتایی و قدرت و علم بی‌کران گرداننده این نظام شگفت‌انگیز برای کسانی که می‌اندیشند و تدبیرگر هستی را می‌شناسند.^۲

از میان انواع گیاهان و میوه‌ها، خداوند زیتون، خرما، انگور را در این آیه مطرح کرده. متخصصان تغذیه می‌گویند: کمتر میوه‌ای است که به اندازه این سه میوه برای بدن مفید و لازم باشد.^۳

قرآن در آیه ۳۵ سوره نور از زیتون به عنوان شجره مبارکه یاد کرده و به روغن آن اشاره نموده است.^۴ روغن زیتون برای تولید سوخت بدن ارزش فراوانی دارد، کالری حرارتی آن بسیار بالا و نیرو بخش است. روغن زیتون دوست صمیمی کبد آدمی است، برای رفع عوارض کلیه‌ها، سنگ‌های صفراوی، قولنج‌های کلیوی، کبدی و رفع یبوست بسیار مؤثر است. در حدیثی از امام رضا (ع) آمده که زیتون غذای خوبی است، دهان را خوشبو و بلغم را برطرف می‌سازد و صورت را طراوت می‌بخشد، اعصاب را تقویت نموده، بیماری و درد را از بین برده، آتش خشم و غضب را فرو می‌نشاند.^۵

پ) اعناب (انگور)

باغ‌های انگور، کشتزارها و درختان خرما از مصادیق زرع، آب عامل آن و انواع میوه‌ها با کیفیت‌های گوناگون از نشانه‌های خدا در مخلوقات و پدیده‌های جهان می‌باشند که در سوره رعد آیه ۴ به آن اشاره شده است: "وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِضْلُ بَعْضِهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ در زمین قطعاتی است کنار هم و باغ‌هایی از انگور، کشتزارها و درختان خرما چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۳۱۶

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۴۳

۳. پاکتژاد، اولین دانشگاه آخرین پیامبر، ج ۷

۴. قرائتی، نور، ج ۴، ص ۴۹۸

۵. مکارم، نمونه، ج ۱۱، ص ۱۹۸

که با یک آب سیراب می‌گردند. [با این همه] برخی از آنها را در میوه [از حیث مزه و نوع و کیفیت] بر برخی دیگر برتری می‌دهیم. بی‌گمان در این [امر نیز] برای مردمی که تعقل می‌کنند دلایل [روشنی] است. "

کلمه صنو به معنای شاخه و جوانه است که از بیخ تنه درخت روییده باشد که جمع آن صنوان است. در زمین قطعه‌هایی هست نزدیک به هم و همسایه هم که خاکش از نظر طبع شبیه به هم است و در آن‌ها باغ‌های انگور می‌روید که در خود از میوه‌هایی هست که از نظر شکل، رنگ، طعم، درشتی، ریزی، لطافت و خوبی بسیار با هم مختلفند. همچنین حاصل‌هایی می‌روید که جنس و صنف آنها مختلف است. گندم و جو این محل با محل دیگر مختلف است و نیز خرما می‌روید که بعضی‌ها مثل هم هستند و از یک ریشه جوانه می‌زنند و بعضی‌ها هم مثل هم نیستند. با این‌که زمین یکی است و همه از یک آب مشروب می‌شوند و ما بعضی را بر بعضی دیگر به خاطر مزیت مطلوبی که در صفات آنها است برتری دادیم. وجود قانون در سراسر جهان نشانه قانونمندی زندگی انسان است. در همه این پدیده‌ها نشانه‌هایی وجود دارد برای آنهایی که فکر می‌کنند و یکی از راه‌های آگاه کردن مخاطبان از یک حقیقت خداشناسی اشاره به نکات و ظرایف موجود در امور طبیعت و زندگی است. اگر این اختلاف اراده‌های او نبود هیچ چیزی از یکدیگر متمایز نمی‌شد. این آیات اختلاف خلقت را مستند به اختلاف اراده خداوند می‌داند و در عین حال قانون علت و معلول را هم انکار نمی‌کند. چون قرآن برهانش مبتنی بر مقدمات عقلی است. ما بعضی را بر بعضی در اکل برتری دادیم و سبب این برتری جز خدای سبحان کسی نیست یعنی همه به خدای سبحان منتهی می‌شوند. امر عالم با همه تشنت و تفرق که دارد تحت تدبیر واحد اداره می‌شود. به این دلیل رب آن واحد است و آن خدای سبحان است و آیات را تفضیل و برتری می‌دهد و هر یک را از دیگری جدا و متمایز می‌سازد.^۱

در این آیه به نکات جالب زمین‌شناسی و گیاه‌شناسی که هر کدام نشانه نظام حساب شده آفرینش است اشاره کرده است. با اینکه این قطعات همه به یکدیگر متصل و مربوطند، هر کدام ساختمان و استعداد مخصوص به خود دارند. بعضی محکم و بعضی نرم بعضی شور و شیرین، هر کدام استعداد برای پرورش نوع خاصی از گیاهان و درختان میوه و زراعت را دارد، چرا که نیازهای انسان و جانداران زمینی بسیار زیاد و متفاوت است، گویی هر قطعه از زمین ماموریت برآوردن یکی از این نیازها را دارد، اگر همه یکنواخت بودند یا استعدادهای مختلف در میان قطعات زمین تقسیم نشده بود، انسان گرفتار چه کمبودهایی از نظر مواد غذایی و دارویی و سایر نیازمندیها می‌شد اما با

^۱. طباطبایی، المیزان، ج ۷، ص ۴۹۹

تقسیم حساب شده، این مأموریت و بخشیدن استعداد پرورش آن به قطعات مختلف زمین، همه این نیازمندیها به طور کامل بر طرف می شود. جالب این که گاه می شود که هر یک از این شاخه ها، نوع خاصی از میوه را تحویل می دهد ممکن است این جمله اشاره به مسأله استعداد درختان برای پیوند باشد که گاه بر یک پایه چند پیوند مختلف می زنند و هر کدام از این پیوندها رشد کرده و نوع خاصی از میوه را به ما تحویل می دهد خاک یکی، ریشه و ساقه یکی، اما محصول و میوه اش مختلف و متفاوت است. عجیب تر آن که همه آنها از یک آب سیراب می شوند (یسقی بماء واحد) حتی بسیار دیده ایم در یک درخت یا در یک شاخه میوه هایی از یک جنس وجود دارد که طعم ها و رنگ های متفاوت دارند. در جهان گل ها بسیار دیده شده که یک بوته گل و حتی یک شاخه، گل هایی به رنگ های کاملاً مختلف عرضه می کنند. چه آزمایشگاه اسرار آمیزی در شاخه درختان به کار گذارده شده است که از مواد کاملاً یکسان، ترکیبات کاملاً مختلف تولید می کنند و هر یک بخشی از نیازمندی انسان را بر طرف می سازد. آری هر یک از این اسرار دلیل بر وجود یک مبدأ حکیم و عالم که این نظام را رهبری می کند می باشد، نشانه هایی است از عظمت خدا برای آنها که تعقل و اندیشه می کنند.^۱

در مورد انگور به گفته دانشمندان تغذیه از نظر خواص بسیار نزدیک به شیر مادر است، یعنی یک غذای کامل محسوب می شود و یک داروخانه طبیعی است. انگور دو برابر گوشت در بدن حرارت ایجاد می کند، ضد سم است و سموم بدن را دفع می نماید، انواع ویتامین موجود در آن به انسان نیرو و توان می بخشد. برای تصفیه خون، دفع رماتیسم، نقرس، زیادی اوره خون اثر درمانی دارد. معده و روده را لایروبی می کند و نشاط آفرین و بر طرف کننده اندوه است، اعصاب را تقویت کرده حتی عامل مؤثر برای مبارزه با بیماری سرطان است.^۲

درخت انگور، درخت مو نیز نامیده می شود. دانه های انگور انواع و رنگ های مختلفی دارد از جمله سبز، سیاه، قرمز و ... و بسیار مقوی و لذیذ است و از برگ و هسته آن نیز استفاده می شود. دارای مزه های ترش و شیرین است. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده که بهترین طعام شما نان و بهترین میوه شما انگور است.^۳

(ت) رمان (انار)

در آیه ۱۴۱ سوره انعام رمان (انار) یکی از مصادیق زرع شمرده شده است. رمان ۳ بار در آیات قرآن تکرار شده است. " وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشَابِهًا وَغَيْرَ مُشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا

۱. مکارم، نمونه، ج ۱۰، ص ۱۵۰

۲. پاکنژاد، اولین دانشگاه آخرین پیامبر، ج ۷، ص ۱۰۱

۳. مکارم، نمونه، ج ۱۱، ص ۱۹۷

يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ اوست کسی که باغ‌هایی با داربست و بدون داربست و خرمان و کشتزار با میوه-های گوناگون آن و زیتون و انار شبیه به یکدیگر و غیر شبیه پدید آورد. از میوه آن چون ثمر داد بخورید و حق [بینوایان از] آن را روز بهره‌برداری از آن بدهید [ولی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد. "

علامه طباطبایی می‌فرماید: در این آیه شجره معروشه، درختی را گویند که شاخه‌هایش به صورت داربست بالا رفته و یکی بر بالای دیگری قرار گرفته است مانند درخت انگور (معروشه یعنی عرش، رفع و بلندی) جنات معروشات عبارت است از تاکستان‌ها، باغ‌های انگور و مانند آن. غیر معروشات باغ‌هایی که درختان آن بر تنه خود استوار باشند نه بر داربست.^۱

مانند درخت نخل، زیتون و انار که در طب اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. حدیثی از امام رضا (ع) که فرمودند: انار بخورید که دهانتان پاکیزه و خوشبو شود. انار به عنوان یک میوه بهشتی سرشار از ویتامین‌ها و آنتی‌اکسیدان است که علاوه بر ارزش غذایی بسیار، در درمان بیماری‌ها، زیبایی پوست و استحکام دندان‌ها بسیار مفید است. خوردن انار به غیر از ارزش غذایی بسیار، جنبه‌های دارویی و اثرات درمانی قابل توجه‌ای دارد. خوردن انار از دیدگاه قرآن و ائمه بسیار توصیه شده است. انار برای پیشگیری و درمان بسیاری از بیماری‌ها از جمله تصلب شرایین، سرطان و همچنین کمک به طول عمر، کند کردن واکنش‌های پیرشدن سلول‌ها تأثیرات فراوانی دارد. برای جلوگیری از افسردگی و نگرانی، دانه‌های انار موجب شادابی می‌شود.

موانع زرع

موانع زرع هم مادی است و هم معنوی، از موانع مادی زرع، بی‌آبی بوده و از موانع معنوی آن می‌توان به کفران نعمت و غرور اشاره کرد.

الف) بی‌آبی و کمبود آن

در این مورد می‌توان به اهمیت آب در مکه سرزمین غیر ذی زرع اشاره کرد که در آیه ۳۷ ابراهیم، مکه به عنوان دره‌ای بی‌حاصل و زمین غیر قابل کشت ذکر شده است که خدا آن را به‌وسیله آب زمزم، آباد و برای نماز و دعا برگزیده، آب به عنوان مایع حیات و شاهی برای آبادی، سرسبزی، خرمی و زندگی است که به آن اشاره شده است: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» پروردگارا من [یکی از] فرزندانم را در دره‌ای بی‌کشت نزد خانه محترم تو سکونت دادم پروردگارا تا نماز را به پا دارند. پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از

^۱. طباطبایی، المیزان، ج ۷، ص ۴۹۹

محصولات [مورد نیازشان] روزی ده باشد که سپاس‌گزاری کنند.

علامه طباطبایی می‌فرماید: منظور حضرت از ذریه‌اش همان اسماعیل و فرزندان‌ی که از او پدید می‌آیند نه اسماعیل به تنهایی، برای این‌که به دنبالش گفته رینا لیقیموا الصلاه پروردگارا تا نماز را به پای دارند. اگر اسماعیل به تنهایی مقصود بود نمی‌بایست لفظ جمع را به کار می‌برد. مقصود از زمین غیر ذی زرع می‌خواهد تأکید برساند در نداشتن رویدنی مبالغه نماید. یعنی اصلاً شایستگی زراعت را ندارد مثل شوره زار یا ریگزار اگر خانه را به خدا نسبت داده چون این خانه مزبور جز برای خدا صلاحیت ندارد و آن عبادت است و مقصود از حرم بودن همان حرمتی است که خدا برای خانه تشریح نمود. این دعای ابراهیم بعد از بنای کعبه، ساختن و آباد شدن مکه بوده است. اگر خدا زمین غیر قابل کشت را اختیار کرده است برای این‌که ذریه‌اش در عبادت خدا خالص باشند و امور دنیوی دل‌هایشان را مشغول نسازد همچنین دل‌های مردم متمایل به سوی ذریه‌اش شود. به طوری که وطن‌های خود را رها نموده و بیایند پیرامون آن منزل گزینند یا حداقل به زیارت خانه خدا بیایند و با ایشان هم انس بگیرند و میوه‌های هر نقطه از زمین را به وسیله تجارت به آنجا حمل کنند و مردم آنجا هم از آن بهره‌مند شوند. شکر و سپاس حضرت ابراهیم از خدا به خاطر اولاد صالح اسماعیل و اسحاق است.^۱

در تفسیر عیاشی از امام باقر (ع) نقل شده در تفسیر آیه "انی اسکنت من ذریتی" فرمود ما از جمله آنان هستیم و ما بقیه آن ذریه هستیم.^۲

در تفسیر قمی هم به نقل از ایشان روایت شده که به خدا قسم ما ادامه آن عترت هستیم.^۳ بنابراین طبق فرمان خدا، اسماعیل و مادرش را به سرزمین مکه که در آن روز یک سرزمین خشک، خاموش و فاقد همه چیز بود گذارد. این کودک و مادر در آن آفتاب داغ تشنه شدند مادر برای نجات کودک سعی فراوان کرد اما به اراده خداوند در آن سرزمین چشمه زمزم را آشکار ساخت تا آن سرزمین یک کانون بزرگ عبادت شود که قبیله بیابانگرد در آن جا اقامت افکندند و مکه کم‌کم شکل گرفت و آن‌ها را از انواع میوه‌ها (ثمرات مادی و معنوی) بهره‌مند کن شاید شکر نعمت‌های تورا ادا کنند.^۴

ب) کفران نعمت و غرور

^۱ طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۱۱

^۲ عیاشی، عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۹

^۳ قمی، قمی، ج ۱، ص ۳۷۳

^۴ مکارم، نمونه، ج ۱۰، ص ۴۷۲

آیه ۳۲ کهف، بیانگر حال دنیا طلبانی است که با کفران نعمت و غرور باعث تباهی زرع شده‌اند، غافل از آن‌که مالک واقعی زرع خداست. همچنین در مورد برخورد ثروتمندان با فقرا بیان شده است. "واضرب لهم مثلاً رجُلین جعلنا لأحدِهِمَا جَنَّتینِ مِنْ أُعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا؛ (ای پیامبر) برای آنان آن دو مرد را مثل بزنی که به یکی از آنها دو باغ انگور دادیم و پیرامون آن دو [باغ] را با درختان خرما پوشانیدیم و میان آن دو را کشتزاری قرار دادیم."

علامه طباطبایی می‌گوید: این مثلی است که بیانگر حال دنیا طلبان که به مالکیت کاذب خود دل بسته‌اند و نتیجه برخورد متکبرانه و مغرورانه ثروتمندان به فقراست. دو باغی بود که منحصراً درختان آن‌ها انگور بود. ما درخت‌های خرما را دور آن باغ قرار دادیم و میان آن دو باغ زراعت و به وسیله این زمین‌های زراعتی دو باغ به هم وصل می‌شوند. با یک نظام اداره می‌شوند. مجموع این دو باغ و زمین‌هایش هم میوه صاحبش و هم آذوقه‌اش را تأمین می‌کرد. رفاه، دنیاپرستی و اعتقاد به جاودانگی زخارف دنیا در اثر غرور بیش از اندازه عامل انکار معاد می‌شود. کفران نعمت و غرور باعث از بین رفتن آن و در نتیجه باعث نابودی باغ و تنهایی مرد ثروتمند می‌شود. امید انسان باید به لطف دائمی پروردگار باشد نه زرق و برق دنیای زودگذر. کشاورز و زارع وقتی وارد باغ شد باید بگوید: ماشاء الله و لاقوه الا بالله. همه کشت و زرع را خدا خلق کرد و هیچ قدرتی جز از ناحیه خدا نیست اگر خدا به تو قوت و قدرت نداده بود، زمین برای کشت آماده نکرده بود، تو نمی‌توانستی چیزی بکاری و محصول به‌دست آوری. نتیجه این که ولایت و حکم فرمایی خاص خداست و بهترین اجر، ثواب و عاقبت نیکو به هر که بخواهد عطا می‌کند.^۱

علی بن ابراهیم می‌گوید: در این آیه "واضرب مثلاً رجُلین" در شان مردی نازل شد که دو باغ بزرگ و بسیار حاصل خیز داشت. خداوند می‌فرماید که در این دو باغ درخت خرما و محصولات دیگر و به فراوانی وجود داشت. همسایه این مرد انسان فقیری بود و این مرد ثروتمند به مرد فقیر فخر می‌فروخت و می‌گفت انا اکثر منک مالا و اعز نفرا پس وارد باغ خود شد اتفاقی که فقیر گفته بود همان شب برای باغ ثروتمند افتاد صاحب باغ به خاطر از دست دادن آن چه که در باغ هزینه کرده بود دست‌هایش را از شدت حسرت به هم زد و به باغ خود می‌نگریست که ویران شده بود و می‌گفت: یا لیتنی لم اشرك بری احدا این است عاقبت ظلم و ستم.^۲

طبرسی می‌گوید: از این آیات شاید بتوان اصول باغداری یا احداث باغ‌های نمونه و دلربا را استفاده کرد که درختان کوتاه در وسط اعناب و درختان بلند مانند نخل در اطراف باغ باشد. باغ‌ها با هم

^۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۴۲۷

^۲. قمی، قمی، ج ۲، ص ۹

فاصله داشته و اطرافشان باز باشد. کشاورز حقیقی خداست نه انسان. دلبستگی و غرور به مال و قبیله زمینه طغیان است. در آیه ۱۱۲ سوره نحل هم مانند این آیه در مورد کفران نعمت است. در این داستان نکات انسان‌ساز و درس‌آموز در خور تعمق بسیار است. که نشانگر این حقیقت است که همه نعمت‌ها، زیبایی‌ها و برخورداریه‌ها از سوی آفریدگار هستی است. از این رو باید او را سپاس‌گزار و در برابر او فرمانبردار بود. آری اندیشه و تفکر درست آفت غرور را درهم می‌شکند و انسان را نجات می‌بخشد.^۱

آثار و نتایج زرع

زرع، آثار و نتایج مادی و معنوی دارد که از آثار معنوی آن، عبرت و خداشناسی و آثار مادی آن رویش و زیبایی، تغذیه انسان و چارپایان، میراث ارزشمند، پرداخت زکات، برخورداریه از نعمت‌ها و آسایش‌ها می‌باشد.

الف) عبرت و خداشناسی

یکی از آثار و نتایج معنوی زرع، عبرت و خداشناسی است که در سوره زمر آیه ۲۱ به آن اشاره شده است: "أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ؛ مگر ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرود آورد پس آن را به چشمه‌هایی که در [طبقات زیرین] زمین است راه داد آنگاه به وسیله آن کشتزاری را که رنگ‌های آن گوناگون است، بیرون می‌آورد سپس خشک می‌گردد آنگاه آن را زرد می‌بینی سپس خاشاکش می‌گرداند قطعاً در این [دگرگونیها] برای صاحبان خرد عبرتی است."

علامه می‌گوید: صاحبان فکر از طبیعت درس خداشناسی می‌گیرند و خداوند برای صاحبان خرد اموری را قرار داده که توسط آن متذکر می‌شوند. یکی از لطف‌های خداوند در دنیا به بندگان نزول آب باران از آسمان است که به وسیله آن زرع را با رنگ‌های مختلف بیرون می‌آورد سپس آن زرع را می‌خشکاند از سرسبزی و خرمی زرد آنگاه خشک و متلاشی می‌شود، حطامی می‌سازد، یعنی کاه و خس متفرق است. شواهدی که در این آیه مشخص است همگی از امور ناپایدار و متغیر هستند و به زوال عالم اشاره دارد و این تذکری برای خردمندان است.^۲

به باور برخی، منظور از تنوع رنگ کشت و زراعت عبارت از گوناگونی آنها همچون جو و گندم، ذرت و برنج و دیگر انواع و اقسام آنهاست. اما به باور برخی دیگر منظور از رنگ‌های گوناگون اشاره به رنگ‌های سبز، زرد و سرخ آنها است که این رویاندن و بیرون آوردن گل و گیاه، کشت و زراعت

^۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۷۲۳

^۲. طباطبایی، المیزان، ج ۱۷، ص ۳۸۴

گوناگون از زمین به وسیله آب است. این دگرگونی شگفت‌انگیزی که در آن هست پند و اندرزی برای خردمندان است.^۱ و نیز گفته شده: یکی از راه‌های خداشناسی دقت در پدیده‌هاست. باران آسمان، منبع چشمه سارها و آب‌های زیرزمینی است. رنگ‌های گوناگون گیاهان، میوه‌ها و گل‌ها که از یک آب و خاک

می‌روید، نشانه قدرت خداست. آفرینش همه پدیده‌ها به اراده الهی است و پندپذیری نشانه عقل است.^۲

(ب) رویش، تغذیه انسان و چارپایان

آیه ۲۷ سجده به آثار مادی زرع که تغذیه انسان و چارپایان می‌باشد، اشاره نموده است: "وَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعَاتِكُمْ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ؟ آیا ندیده‌اند که ما باران را به سوی زمین‌های بایر می‌رانیم و به وسیله آن زراعت‌هایی را می‌رویانیم که هم چارپایان‌شان از آن می‌خورند و هم خودشان از آن تغذیه می‌کنند آیا نمی‌بینید؟"

یکی دیگر از آیات خداوند سبحان را تذکر می‌دهد که حسن تدبیر او نسبت به موجودات خصوصاً موجودات زنده از قبیل چارپایان و انسان دلالت دارد.^۳

پس از نزول باران از ابر، حیات زمین، بیرون شدن زرع، تغذیه انسان و چارپایان تأمین می‌شود. آیت و نشانه باران اختصاص به دیدن دارد، نمی‌بینید. راندن ابرها و بیرون آوردن زراعت از زمین‌های مرده و تغذیه انسان‌ها و چارپایان از آن زراعت از راه دیدن حاصل می‌شود. نزول باران و رویش زراعت از نشانه‌های رحمت و قدرت الهی است پس شکرگزار رحمت خداوند باشید. کلمه جزر زمین خشکی را می‌گویند که به خاطر نیامدن باران، بدون گیاه باشد و کلمه زرع در اصل مصدر بود و در اینجا مزرعه و زراعت است و این نعمت‌های الهی برای بیداری کافران مؤثر است. زرع در این جا معنی وسیعی دارد که هر گونه گیاه و درخت را شامل می‌شود. هر چند گاهی در استعمالات، در مقابل درخت قرار دارد مقدم داشتن چارپایان بر انسان‌ها در این آیه، ممکن است به خاطر این باشد که تمام تغذیه چارپایان از گیاه است در حالی که انسان‌ها هم از گیاهان تغذیه می‌کنند و هم از گوشت چارپایان. یا از این جهت که گیاه به محض رویدن برای چارپایان قابل استفاده است در حالی که استفاده انسان از گیاهان غالباً به زمان بعد موکول می‌شود که دانه و ثمره خود را به بار می‌آورد. به

^۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۷۲

^۲. قرائتی، نور، ج ۸، ص ۱۵۹

^۳. طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۴۰۰

برکت این رحمت الهی بر فراز بسیاری از کوه‌ها و تپه‌های مرتفع، جنگل‌ها، درختان فراوان و گیاهان بسیار روئیده است. این قدرت آبیاری عجیب تنها در باران است و از هیچ چیز دیگری ساخته نیست.^۱

پ) میراث ارزشمند، برخورداری از نعمت‌ها و آسایش‌ها
از جمله آثار مادی زرع، ماترک‌های ارزشمندی است که از آن بدست می‌آید و در جامعه از سرمایه‌های مهم محسوب می‌شوند که در سوره دخان آیه ۲۶ به آن اشاره شده است: "وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ؛ و کشتزارها و جایگاه‌های نیکو". در تفسیر المیزان آمده است: در آیه قبل کلمه کم ترکوا من جنات عیون (کم) تکثیر را افاده می‌کند، یعنی چه بسا از باغ‌ها، چشمه‌ها و زراعت‌ها که به جای گذاشتند. منظور از مقام کریم قصرها و خانه‌های زیبای فرعونیان است. زروع که به صیغه جمع آمده از امور ماترک محسوب می‌شود. بعضی گفته‌اند معنایش این است که ما درباره هر که بخواهیم هلاکش می‌کنیم. ما ایشان (فرعونیان) را از مصر بیرون راندیم و آن‌ها سرزمین مصر را ترک کردند و رفتند. پس فرعون و فرعونیان پس از غرق شدن چه بسیار باغ‌ها و چشمه‌ها از خود به جا گذاشتند، ترک کردند و رفتند.^۲ در آیه ۲۷ سوره دخان وَ نَعْمَةٌ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ به برخورداری از نعمت‌ها و آسایش‌ها که یکی از آثار زرع است، اشاره می‌نماید.

ت) پرداخت زکات

پرداخت زکات هنگام برداشت محصول به عنوان حق خداوند از وظایف زارع و از آثار مادی زرع است که در آیه ۱۴۱ سوره انعام به آن اشاره شده است: "وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ و اوست کسی که باغ‌هایی با داربست و بدون داربست و خرمابن و کشتزار با میوه‌های گوناگون آن و زیتون و انار شبیه به یکدیگر و غیر شبیه پدید آورد. از میوه آن چون ثمر داد بخورید و حق [بینوایان از] آن را روز بهره‌برداری از آن بدهید [ولی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد."

علی بن ابراهیم نقل کرده است که خدا در روز و وقت درو از هر زمینی مشتی از محصولات را برای فقرا و بیچارگان واجب و تعیین کرد. همچنین از میوه درخت خرما و در خرما چیده شده و همچنین هنگام بذر پاشیدن. هم او از احمد بن ادريس از احمد بن محمد، از علی بن حکم از ابان عثمان نقل کرده است که گفت از امام صادق (ع) درباره این سخن خداوند تبارک و تعالی در آیه ۱۴۱

^۱. مکارم، نمونه، ج ۱۷، ص ۱۹۳

^۲. طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۲۰۵

انعام و "آتوا حقه یوم حصاده" سوال کردم و ایشان فرمود: مقداری از حبوبات و خوشه‌های مانده بر زمین که جمع و برداشت شده است و مشتی از خرمايي که مقدار آن پیش بینی شده است. گفت: از ایشان پرسیدم پس از بردن به خانه، آیا می‌شود آن را به مساکین داد فرمودند: خیر سخاوتمندتر آن است که قبل از این که آن را به خانه اش ببرد به فقیر بدهد. از امام باقر (ع) هم نقل شده است که این صدقه است به این صورت که مشتی از برداشته و به فقیر بدهد و هم او از احمد بن ادریس از برقی، از سعد بن سعد، از امام رضا (ع) روایت کرده است که از وی سوال شد اگر فقرا در هنگام درو حاضر نباشند چکار کند؟ گفت: چیزی بر او نیست.^۱

از هم او روایت شده است که از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمودند: شاخه‌های درختان را در هنگام شب نبرید و در هنگام شب درو نکن و در هنگام شب قربانی نکن و در هنگام شب بذر نپاش چرا که اگر این کار را در شب انجام دهی، آدم‌های قانع و فقیر عبوری پیش تو نخواهند آمد.^۲ منظور از واژه حق در این آیه، به باور گروهی از مفسرین این است که در روز برداشت محصول و میوه درختان باغ‌ها و بستان‌ها باید زکات آن را بدهید و زکات آنها یک دهم و یک بیستم می‌باشد. چرا که اگر آن باغ‌ها و درختان، از آب باران سیراب شده و به ثمر رسیده باشند، باید آنها را به عنوان زکات به بینوایان داد اما در صورتی که با آب چاه یا به کمک وسایل مکانیکی آب خورده‌اند باید یک بیستم آن را پرداخت. اما امام جعفر صادق (ع) از پدران گرانقدرش آورده است که منظور از این حق نه زکات مشخص، بلکه بهره‌ور ساختن بینوایان به اندازه امکان و توان است.^۳

مفهوم و کاربردهای حرث در قرآن کریم

واژه حرث و مشتقات آن ۱۴ بار در ۱۱ آیه قرآن کریم ذکر شده است. حرث در قرآن دارای کاربردهای مختلفی است که در بعضی آیات به صورت تشبیه و در بعضی دیگر در معنای حقیقی به کار رفته است.

در آیه ۲۰ شوری، دنیا به مزرعه تشبیه شده است که هرچه در آن بکاریم در آخرت درو می‌کنیم. در این مورد حرث هم برای دنیا و هم برای آخرت ذکر شده است (همنشینی حرث با دنیا و آخرت). در آیه ۱۱۷ سوره آل عمران انفاق ریاکارانه به زراعت بی‌موقع و غیر محل مناسب و انگیزه‌های انفاق به بادهای سرد و سوزان تشبیه شده است (اثر فاسد نتیجه عمل فاسد). در آیه ۲۲۳ سوره بقره نیز زنان به کشتزار تشبیه شده‌اند (تشبیه نساء به حرث).

۱. قمی، قمی، ج ۲، ص ۲۱۹

۲. بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۴۸۴

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۷۸

در آیات دیگری حرث به صورت حقیقی به کار رفته است؛ در آیه ۶۳ واقعه به تفکر، تدبر و اندیشیدن بشر در کشت و حرث تأکید شده است (تفکر و تأمل در حرث). در آیه ۲۲ سوره قلم، ماجرای صاحبان باغی که باغشان به عذاب الهی نابود گشت و بیان این که این آزمایش الهی از طرف خداوند بود، اشاره شده است (امتحان الهی). در آیه ۱۴ سوره آل عمران دل بستگی شدید به حرث، به عنوان یکی از اقسام دل بستگی به شهوات در اصناف مردم معرفی شده است (دل بستگی به حرث). در آیه ۷۸ سوره انبیا به داستان داود و سلیمان که درباره کشتزاری قضاوت کردند، اشاره شده است. در آیه ۲۰۵ سوره بقره یکی از راه های فساد در زمین هلاک کردن نسل معرفی شد که نابودی حرث در نابودی نسل تأثیرگذار است (هم نشینی حرث و نسل). در آیات ۱۳۶ و ۱۳۸ سوره انعام خرافه پرستی مشرکان مورد توجه قرار گرفت که بر اساس آن مشرکان بت ها را شریک خدا، شریک اموال و سرمایه خود می دانستند و سهمی برای آنان قرار می دادند (حرث و خرافه پرستی مشرکان). در آیه ۷۱ سوره بقره مشخصات گاو بنی اسرائیل مطرح شد که برای شخم زدن رام نشد و برای زراعت، آبکشی نکرد.

تفاوت حرث و زرع بر اساس کاربردها

حرث و زرع در آیات، هم به صورت تشبیه و هم به صورت حقیقی به کار رفته اند. در زرع یک تشبیه ولی در حرث سه تشبیه به کار رفته است و در کاربرد حقیقی زرع، عوامل، شرایط، مصادیق، موانع و آثار آن ذکر شده است اما در حرث این موارد ذکر نشده است و فقط کاربردهای مجازی و حقیقی آن بیان شده است. در این کاربردها حرث گاه در معنای کشت و پاشیدن بذر و گاه در معنای کشتزار به کار رفته است ولی زرع به معنای رویاندن است و رویاندن کار خداست و انسان با تلاش و توکل فقط فاعل و انجام دهنده زرع و حارث است.

مفهوم و کاربردهای نبت در قرآن کریم

واژه نبت همراه با مشتقاتش ۲۶ بار در قرآن در ۲۳ آیه آمده است. نبت در قرآن کاربردهای مختلفی دارد که در بعضی آیات به صورت تشبیه و در بعضی آیات به معنای حقیقی آمده که عوامل، شرایط، کیفیت، مصادیق و آثار آن ذکر شده است.

رویاندن نبات مثل خلقت انسان است و از نشانه های خدا در آسمان و زمین است که در آیه ۱۷ نوح نبت به صورت تشبیه ذکر شده است؛ "وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا" آری و خدا بود که شما را چون گیاه از زمین به نحوی ناگفتنی رویانید (کاربرد نبت برای خلقت انسان). آیه ۳۷ سوره آل عمران در مورد پرورش نیک حضرت مریم سخن گفته است (کاربرد نبت برای پرورش حضرت مریم).

نبت در چندین آیه نیز به صورت حقیقی به کار رفته و به آثار، عوامل، شرایط، کیفیت و مصادیق آن اشاره شده است. در آیات متعددی از خداوند به عنوان عامل اصلی و از باران، آب، زمین و خاک به- عنوان عوامل نبت سخن گفته می‌شود. در آیه ۶۰ سوره نمل، قدرت الهی نمایان است و ناتوانی ما انسان‌ها حتی برای رویاندن یک درخت روشن و آشکار و سرانجام کسانی که زشتی‌ها را روا داشتند، بیان شده است.

به عبارتی دیگر، در این آیه، خدا عامل اصلی نبت معرفی می‌شود. آیه ۴۵ سوره کهف حقیقت زندگی دنیا، ناپایداری آن و زینت‌های سریع الزوال را مثال زده و آب و باران را مهمترین عامل نبت معرفی کرده است. یکی دیگر از عوامل نبت، خاک و زمین مناسب است که برای رویش گیاهان خاک باید مستعد و مناسب باشد که آیه ۵۸ سوره اعراف بیانگر آن است. همچنین زمین شوره زار به آدم بخیل تشبیه شده که خالی از خیر و برکت است. همچنین، یکی از نمونه‌های قدرت خدا گسترش زمین و روییدن گیاه بهجت انگیز است که در آیه ۷ سوره ق به آن اشاره شده است. آیه ۲۶۱ سوره بقره در مورد ویژگی‌های نبات که افزایش آن توسط خدا است و به انفاق و بخشیدن اموال به فقرا اشاره می- کند و این‌که خداوند انفاق‌های خالصانه را مضاعف می‌سازد.

در آیات متعددی به کیفیت، چگونگی و شرایط رویش نبت اشاره شده است؛ یکی از معجزات علمی قرآن بیان قانون زوجیت در همه چیز است. پیدایش دانه، میوه و خلقت جفت‌های نر و ماده مسأله تزویج موجودات را بیان می‌کند که در آیه ۳۶ سوره یس به آن اشاره شده است. آیه ۱۹ سوره حجر به قدرت خدایی که زمین را گسترده، گیاه و هر چیز را موزون رویاند. این از نشانه‌های قدرت خدا در زمین بیان شده است.

مصادیق نبت در چندین آیه بیان شده است. نبت مصادیق متعددی مانند یقطین (کدو)، حب (دانه)، زیتون، نخل (خرما)، عنب (انگور)، بقل (سبزی)، قثاء (خیار)، فوم (سیر)، عدس، بصل (پیاز)، سبزه‌ها و ... دارد؛ در آیه ۹۹ سوره انعام آمده که از آسمان آبی نازل کردیم و به وسیله آن نباتات را پدید آوردیم. از مصادیق نبت همه رویدنی‌ها از جمله سبزه‌ها، دانه‌ها، نخل‌ها، باغ‌ها، تاک‌ها، زیتون و انار می‌باشد. آیه ۵۳ سوره طه، به پدید آمدن انواع مختلف گیاه به وسیله باران و معرفی بیشتر خدا برای فرعون از زبان حضرت موسی اشاره کرده است. آیه ۹ سوره ق به بیان یکی دیگر از مصادیق نبت باغ‌ها و دانه‌های درو کردنی که به وسیله باران که حیات و برکت زمین است، می‌روید و فایده توجه به خلقت آسمان پرداخته است. همچنین در آیه ۲۷ عبس یکی از مصداق‌های نبت، دانه‌ها (حبا) معرفی شده است؛ «فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا» و در آن دانه‌ها رویاندیم. آیه ۱۴۶ سوره صافات در مورد یقطین (کدو) است که از مصادیق نبت می‌باشد و نجات یونس، قومش و دیدار مجدد آن‌ها نیز بیان شده است. از مصادیق دیگر نبت در آیه ۶۱ سوره بقره بقل (سبزی)، قثاء (خیار)، فوم (سیر)، عدس، بصل (پیاز)

ذکر شده است. در این آیه به سرنوشت ذلت بار قوم یهود نیز اشاره شده است. در آیه ۲۰ سوره مؤمنون روغن زیتون و خورش آن که از غذای مردم و باغ‌های میوه برای انسان است، به‌عنوان مصداق نبت آمده است.

نبت، آثار و نتایجی دارد که زینت و زیبایی زمین از جمله آن است؛ در آیه ۲۴ سوره یونس دنیا به آبی برای عبرت گیرندگان مثل زده شده است. زندگی دنیا مخلوطی از شیرینی‌ها و تلخی‌هاست. در این آیه، نبت به معنای گیاه زمین است و گیاهان زینت زمین هستند.

تفاوت حرث و نبت با زرع

مصادیق مشترک بین زرع و نبت در آیه ۱۱ نحل خرما، زیتون، انگور و انار بیان شده است. اسامی گیاهان زراعی در این واژگان به‌عنوان مصادیق، نخیل به تکرار ۲۷ بار در قرآن با فراورده‌ها و اجزای آن مانند نوی، رطب، جذع، طلع و مسد یاد شده است. اعناب ۹ بار، زیتون ۷ بار، رمان ۳ بار، گندم و فراورده‌هایش، فوم، سنبل، حصید و خبز ۹ بار، قثایات (قثا و یقظین) ۲ بار که محصولاتمانند خیار، کدو، هندوانه و خربزه که میوه‌اش حجیم و بزرگ بوده و بسیاری از مواد غذایی را در خود دارد. بقولیات (بقل و عدس) ۲ بار یعنی باقلا و عدس از خانواده سبزی‌ها و گیاهان علفی یکساله هستند. پیاز (بصل) یکبار در قرآن یاد شده است. از مجموع ۴۶ آیه زرع و جانشینان آن فقط آیه ۱۱ نحل در زرع و نبت مشترک است. این آیات به صورت کاربردها، ۶ مورد آن به صورت تشبیه و مجاز، مابقی آیات به صورت حقیقی در قرآن به‌کار رفته است. کاربردهای حقیقی در واژه زرع و نبت هم دارای عوامل، شرایط، کیفیت، موانع و مصادیق بوده ولی در واژه حرث هیچ یک از این موارد وجود ندارد. تفاوت زرع، نبت و حرث در قرآن این است که نبت مانند زرع فعل خداوند است و حرث، فعل انسان است یعنی انسان عملیات کاشت و کشاورزی را انجام می‌دهد اما رویاندن و رشد دادن کار خداست و کار انسان نیست. همچنین تنها واژه‌ای که فقط یک بار جانشین زرع در قرآن شده واژه کفار در آیه ۲۰ حدید است.

نتیجه

زراعت در معنای کلی کشاورزی به‌کار رفته و در قرآن واژه‌های تبیین کننده زرع، حرث به معنای کاشتن و واژه نبت هر چیزی که به مشیت خداوند در زمین می‌روید، سبز می‌شود و جوانه می‌زند. واژه زرع ۱۴ بار در ۱۲ آیه قرآن آمده است. در کاربرد حقیقی زرع، خدا مالک اصلی زرع معرفی شده و در آیه ۶۴ سوره واقعه، زارع با خدا شریک است. یکی از مهمترین ارکان کشاورزی آب (ماء) است. عبارت "انزلنا من السماء ماء" که خداوند ۲۶ بار در قرآن آورده و کلمه آب ۹ بار دیگر در عبارات مشابهی مانند (غیث) در آیه ۲۰ حدید و آیه ۹ سوره ق لفظ (ماء مبارک) را ذکر کرده است. بی‌آبی از موانع مادی زرع و کفران نعمت از موانع معنوی آن می‌باشد. در آیه ۴۷ سوره یوسف، زرع به معنای

مدیریت، حفظ و ذخیره سازی محصولات کشاورزی از جمله گندم به عنوان کالای استراتژیک بیان شده است. در آیه ۱۴۱ سوره انعام، از آثار زرع، پرداخت زکات را در هنگام برداشت محصول توصیه کرده است. واژه‌های حرث و نبت نیز به عنوان جانشینان زرع به ترتیب ۱۴ بار در ۱۱ آیه و ۲۶ بار در ۲۳ آیه قرآن به کار رفته‌اند. حرث و نبت هر دو هم کاربرد تشبیهی دارند و هم کاربرد حقیقی. در نبت و زرع مصادیق، عوامل، کیفیت و شرایط در چندین آیه ذکر شده است ولی در حرث، مصادیق، عوامل، شرایط و آثار ذکر نشده است. در کاربردهای حقیقی نبت و زرع، خداوند عامل اصلی معرفی شده است و آب و باران به عنوان مهمترین عامل رویش گیاه می‌باشد. همچنین خاک و زمین به عنوان عوامل نبت بیان شده است. تمام دانه‌ها، تاک‌ها، باغ‌ها، میوه‌ها، سبزی‌ها، کدو و روغن زیتون به عنوان مصادیق نبت و همچنین نخل، زیتون، انار و انگور که در آیه ۱۱ نحل به عنوان مصادیق در هر دو واژه زرع و نبت به صورت مشترک ذکر شده است. زوجیت گیاهان از کیفیت نبت و یکی از معجزات علمی قرآن و نشانه‌های قدرت خدا در آن‌ها واضح و آشکار است. در نبت خداوند گیاه و هرچیز را موزون رویانده و خدا عامل اصلی افزایش گیاه ذکر شده است. پرداخت زکات که حق خداوند می‌باشد از آثار زرع بیان شده است. در زرع و نبت به اصل توحید و معاد اشاره شده و یکی از نشانه‌های قدرت خدا، زوج بودن گیاهان است. از آثار زرع، عبرت و خداشناسی و از آثار نبت رویش گل، گیاه، باغ‌ها و سبزه‌ها که موجب زینت و زیبایی زمین می‌شود. فقط آیه ۱۱ نحل در زرع و نبت مشترک است. زرع ۱۴ بار در ۱۲ آیه، حرث ۱۴ بار در ۱۱ آیه و نبت ۲۶ بار در ۲۳ آیه آمده است.

منابع

قرآن کریم.

ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، دارصادر، بیروت، چاپ سوم.
آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۷۹ ش)، فرهنگ معاصر عربی به فارسی، نی، تهران.
ایزتسو، توشیهیکو، (۱۳۶۱)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۶ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران.
بندربیگی، محمد، (۱۳۷۲)، فرهنگ لغت عربی به فارسی، ترجمه المنجد الطلاب، ناصر خسرو تهران.
پاکنژاد، رضا، (۱۳۶۰)، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر.
جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ ق)، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، دارالعلم للملایین، بیروت.

خمینی، روح الله، (۱۳۶۸)، صحیفه نور، موسسه تنظیم و نشر آثار امام.

راغب اصفهانی، (۱۴۳۰ ق)، مفردات الفاظ قرآن، المطبعه المصریه، بیروت.

طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم.

صفوی، کورش، (۱۳۷۸)، آشنایی با معنی شناسی، تهران: نشر پژوهاک کیوان.
طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم.

عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ ق)، تفسیر عیاشی، چاپخانه علمیه تهران.
قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ ش)، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ یازدهم.
قرشی بنایی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن فارسی، دارالکتب اسلامی، تهران.
قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکام و الآثار، اسوه، تهران.

قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، تفسیر قمی، دارالکتب قم.
قمی، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، (۱۳۷۸ ق)، تأویل الایات الظاهره، موسسه اهل‌البیت.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۸ ق)، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه (ترجمه مصطفوی)، تهران.
محمدی ری شهری، (۱۳۷۹ ش)، محمد، میزان‌الحکمه دارالحدیث، چاپ اول. قم.
محمودیان، مهدی، (۱۳۹۰ ش)، آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن، اسوه، واحد پژوهش امام علی (ع)، قم.

مختار عمر، احمد، (۱۳۸۵)، معنانشناسی، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
سیدحسین سیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی.

مستفید، حمیدرضا، (۱۳۹۳ ش)، در محضر قرآن کریم، چاپ اول، اسوه، قم.
مصطفوی، حسن، (۱۳۷۴ ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی، سازمان، چاپ و انتشارات، تهران.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، دارالکتب‌الاسلامیه، تهران.

Waines, David. (2001). Agriculture and Vegetation, Encyclopaedia of the Qurān, Leiden, Brill